

بررسی عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان متأهل

ناحیه ۶ شهر مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸

* هانیه سادات میری

** رحمت ... دادور

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۰۳/۳۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۰۶/۱۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان متأهل ناحیه ۶ شهر مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸ می باشد که حجم نمونه آن ۲۵۰ نفر است. چارچوب نظری استفاده شده در این تحقیق نظریه اکولوژیکی می باشد و اعتبار آن به روش صوری و پایایی آن به کمک آلفای کرونباخ سنجیده شده است. متغیرهای مورد بررسی این پژوهش شامل سطح تحصیلات زوجین، سن ازدواج زوجین، شاغل بودن زوجین، روابط زوجین و پایگاه اجتماعی زوجین می باشد. روش تحقیق حاضر پیمایشی است و علاوه بر پرسشنامه در انجام این تحقیق از ابزار کتابخانه و اسناد و مدارک برای جمع آوری اطلاعات و همچنین آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS استفاده شده است.

نتایج نشان داد که بین متغیرهای پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت فیزیکی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و همچنین متغیرهای سطح سواد زوجین، روابط زوجین و سن ازدواج همسر با خشونت علیه زنان از طریق تجزیه و تحلیل کای اسکور و آزمون همبستگی اسپیرمن رابطه معنادار معکوس (منفی) حاصل شده است. در حالی که بین متغیر شاغل بودن زوجین با خشونت علیه زنان رابطه معنادار مستقیم (مثبت) به دست آمده است. در پایان محدودیت های پژوهش ذکر شدند و پیشنهاداتی ارائه شد.

واژگان کلیدی: خشونت، عوامل فردی، عوامل اجتماعی.

مقدمه

خشونت علیه زنان مانعی در برابر دستیابی به اهداف برابری، توسعه و صلح است نکته اصلی در مورد خشونت این است که آیا این پدیده یک مسأله اجتماعی تلقی می شود؟ چه عواملی سبب می شود تا همسرانی که ضرورت دارد آرام بخش و آرامش آفرین یکدیگر باشند به دشمنی با هم برخیزند؟ و چرا مرد و زنی که در کنار یکدیگر و برای همیشه پیوند ازدواج می بندند نسبت به هم رفتاری نادرست و خشونت آمیز دارند؟ میان سلامت و امنیت خانواده و جامعه ارتباط منطقی وجود دارد و امنیت برای زنان پایه های خانواده را استواری می بخشد و از سویی به توانمندی جامعه می افزاید و مانع رسیدن آسیب به بخش عظیم و تأثیر گذار جامعه می شود بنابراین خشونت شوهران علیه زنان در خانواده به عنوان یک معضل اجتماعی مهم مورد بحث و بررسی قرار می گیرد تا تدابیری جهت جلوگیری یا حداقل کاهش خشونت علیه زنان در خانواده اتخاذ شود و از این طریق به سلامت، امنیت و پایداری خانواده و در نتیجه امنیت، سلامتی و شادابی جامعه کمک شود.

بیان مسأله

خشونت علیه زنان پدیده ای است اجتماعی، اما نمی توان با توضیحات کلی علت واقعی وقوع خشونت را تبیین کرد. باید رابطه بین خشونت کننده و قربانی را در نظر گرفت و بررسی بزه شناختی عمل خشونت آمیز را از جنبه های گوناگون روانشناختی و جامعه شناختی مورد تحلیل و مطالعه قرارداد. همچنین خشونت علیه زنان دارای انواعی است از جمله خشونت فیزیکی (جسمی): که به هرگونه رفتار غیر اجتماعی که جسم زن را مورد آزار قرار دهد اطلاق می شود، خشونت روانی (عاطفی): رفتار خشونت آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می کند (همان: ۳۱). خشونت اجتماعی: در این نوع خشونت زن تحت کنترل شدید مرد قرار دارد و در انزوای اجتماعی است (همان: ۳۱). خشونت جنسی: از لمس کردن بدن زن تا تجاوز را در بر می گیرد (همان: ۳۲). خشونت اقتصادی (مالی): یعنی نداشتن امنیت اقتصادی به نوعی که زن به دلیل در اختیار نداشتن پول و ثروت خانواده کاملاً وابسته به مرد خانواده باشد (همان: ۳۲). پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان متأهل ناحیه ۶ مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸ کدامند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت موضوع تحقیق از این لحاظ است که بدانیم چه عواملی بر خشونت مرتبط بوده اند تا از این طریق بتوانیم با ارائه راهکار از میزان خشونت در خانواده بکاهیم. ثانیاً خشونت علیه زنان در خانواده از جمله موانع اصلی در سلامت و تحکیم خانواده است زیرا که زن و مرد عناصر و اساس پایداری خانواده می باشند و ادامه موجودیت خانواده متکی به آنهاست. از آنجا که زنان موجب امنیت خاطر و شکل گیری پیوند های اخلاقی، عاطفی خانواده می باشند و آنها وظیفه تربیت و پرورش نسل آینده را بر عهده دارند لازم است که در محیطی از صلح و آرامش و احترام قرار گیرند، لذا شناخت عواملی که زمینه ساز خشونت شوهران علیه زنان در خانواده می باشد حائز اهمیت است ثالثاً بررسی خشونت شوهران علیه زنان در خانواده نه تنها از لحاظ فردی و خانوادگی مهم است بلکه از نظر اجتماعی نیز اهمیت دارد، زیرا اثرات خشونت شوهران علیه زنان تنها به زنان محدود نمی شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۳۰). بلکه فرزندان و به طور کلی خانواده و جامعه را تحت الشعاع خود قرار می دهد. زنان به عنوان نیمی از جمعیت نقش غیر قابل انکاری در توسعه و پیشرفت جامعه دارند بنابراین ضرورت دارد بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند، زیرا خانواده شالوده و زیر بنای جامعه به حساب می آید و سلامت جامعه مستلزم سلامت خانواده ها می باشد اهمیت کاربردی تحقیق حاضر این است که می تواند سیاست گزاران و مجریان جامعه را از خشونت ها و بد رفتاری هایی که علیه زنان انجام می شود آگاه سازد، تا سیاست هایی را جهت ارائه خدمات به قربانیان خشونت از قبیل تأسیس خانه های امن زنان، مراکز مشاوره، تقویت نهاد های مددکاری اجتماعی، حمایت قانونی از قربانیان اتخاذ نماید و از این طریق به کاهش بروز خشونت در خانواده، بهبود و حفظ سلامت و استحکام خانواده کمک مؤثری نماید

اهداف تحقیق

هدف کلی

شناخت عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان متأهل ناحیه ۶ مشهد در

سال ۸۹-۱۳۸۸.

اهداف جزئی

- تعیین رابطه بین سطح تحصیلات زوجین با خشونت علیه زنان
- تعیین رابطه بین شاغل بودن زوجین با خشونت علیه زنان
- تعیین رابطه بین سن ازدواج زوجین با خشونت علیه زنان
- تعیین رابطه بین روابط زوجین با خشونت علیه زنان
- تعیین رابطه بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت علیه زنان

سؤالات تحقیق

سؤال کلی

عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان متأهل ناحیه ۶ مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸ کدامند؟

سؤالات ویژه

- ۱) بین سطح تحصیلات زوجین با خشونت علیه زنان چه رابطه ای وجود دارد؟
 - ۲) بین شاغل بودن زوجین با خشونت علیه زنان چه رابطه ای وجود دارد؟
 - ۳) بین سن ازدواج زوجین با خشونت علیه زنان چه رابطه ای وجود دارد؟
 - ۴) بین روابط زوجین با خشونت علیه زنان چه رابطه ای وجود دارد؟
 - ۵) بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت علیه زنان چه رابطه ای وجود دارد؟
- نظریه های خشونت علیه زنان در خانواده

در یک تلاش برای سازمان بخشی نظریه های مختلف همسرآزاری، گلس و اشتراوس^۱ (۱۹۷۸)، این نظریه ها را به سه دسته تقسیم بندی می کنند: ۱- نظریه های اجتماعی - روان شناختی^۲، ۲- نظریه های درون فردی^۳ و ۳- نظریه های اجتماعی - فرهنگی / ساختاری^۴ (گلس و اشتراوس، ۱۹۷۸: ۱۲).

^۱- Gelles and straus

^۲- Socio psychological theories

^۳-Intra- Individual theories

^۴-Socio-Cultural/structural theories

نظریه های اجتماعی - روان شناختی

هواداران نظریه های اجتماعی - روان شناختی بر این عقیده اند که «یادگیری اجتماعی»^۱ از طریق «تجربه ی خشونت و در معرض خشونت بودن در خانواده»^۲، علت اصلی خشونت خانوادگی است (کالموس و اولیری، ۱۹۸۴: ۱۱). از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، پدیده های یادگیری عمدتاً ناشی از تجاربی است که بر پایه یادگیری نیابتی و از طریق مشاهده رفتار فرد دیگر و پیامد های آن شکل می گیرد. یادگیری مشاهده ای تحت تأثیر چهار مؤلفه قرار دارد که عبارتند از: فرایند های توجهی، فرایندهای یادداری، فرایندهای بازتولید حرکتی و فرایند های انگیزشی (باندورا، ۱۳۷۲: ۲۵).

آنچه که تأکید نظریه یادگیری اجتماعی بر آن می باشد، آن است که ابزار اصلی یادگیری، از طریق مشاهده کامل می گردد. همانگونه که باندورا و دیگران نیز در بررسی خود (۱۳۷۲) ، دریافتند که عادات و شیوه های زندگی می توانند از طریق مشاهده کسب شوند و با نتایج پاداش آنها حفظ شوند (هارمون، ۲۰۰۱: ۱۶).

نظریه های درون فردی

دیدگاه درون فردی در جستجوی تبیین همسر آزاری بر حسب ویژگی ها و خصلت های مرتکبین خشونت است. طرفداران این دیدگاه، با ارزیابی های روانشناختی مردان مرتکب خشونت خانوادگی، بر سطح فردی تحلیل تمرکز می کنند. نظریه های درون فردی برای تبیین همسر آزاری بر عواملی چون اختلالات و ویژگی های شخصیتی، آسیب شناسی روانی^۳ و استعمال مواد مخدر و الکل تأکید دارد (داتون، ۱۹۹۵: ۸۲).

نظریه زیست شناختی

نظریاتی که مبنای زیست شناختی دارند، خشونت را به عنوان نتیجه عوامل درون فردی می دانند که مستقل از فرهنگ یا تأثیرات اجتماعی است. آنها در بردارنده تبیین هایی بر مبنای عوامل هورمونی و عصبی است (هارمون ، ۲۰۰۱: ۶۴).

^۱ - Social Learning

^۲ - Experience and Exposure to Violence in the family

^۳ - Psychopathology

نظریه روان شناختی^۱

این دسته از نظریه پردازان، بر ویژگی های روان شناختی مرتکبین خشونت خانوادگی تأکید می کنند. از نگاه ویژگی های روان شناختی، عامل تعیین کننده ارتکاب خشونت خانوادگی است.

این نظریه بر ویژگیهای شخصیتی خشونت گر به عنوان تعیین کننده های اصلی خشونت تأکید می کند و عواملی چون بیماری روانی ضعف های شخصیت، آسیب شناسی روانی و وابستگی به مشروبات الکلی و مواد مخدر یا دیگر عوامل غیرعادی درون فردی را به خشونت خانوادگی ربط می دهند.

نظریه های اجتماعی - فرهنگی / ساختاری^۲

نظریه های اجتماعی - فرهنگی / ساختاری شامل تبییناتی اجتماعی - فمینیستی از همسر آزاری هستند که خشونت را به عنوان برابری قدرت در بین دو جنس می دانند. همچنین این دسته از نظریه ها در تبیین پدیده همسرآزاری، به تأثیر الزامات اجتماعی - ساختاری^۳ مثل طبقه اجتماعی، تحصیلات و فشار اقتصادی^۴ توجه خاصی نشان می دهند (دوباش و دوباش، ۱۹۷۸: ۴۷).

نظریه منابع

این نظریه استدلال می کند که ناسازگاری پایگاهی، زمانی که فرد با دیگران تعامل برقرار می کند وضعیت دشواری^۵ را خلق می کند. فرد تمایل دارد که خودش را بر اساس سلسله مراتب پایگاهی بالاتر ارزیابی کند در حالی که دیگران تمایل دارند که فرد را بر حسب سلسله مراتب پایگاهی پایین تر ارزیابی کنند در این حالت، این ناسازگاری، به تنش یا نارضایتی منجر خواهد شد که به نوبه خود گرایش ها و رفتارهای ضد اجتماعی را افزایش خواهد داد. (برسانی و چن، ۱۹۸۸: ۶۲).

از دیدگاه نظریه منابع، خشونت زناشویی زمانی اتفاق خواهد افتاد که یک مرد، نقش مفید و نمادین خود را به عنوان نان آور خانواده^۶ از دست بدهد.

^۱ - Psychological theory

^۲ - Socio- (ultural/structural/theories)

^۳ - Socio-structural Forces

^۴ - Economic stress

^۵ - Dilemma

^۶ - Bread winner

نظریه مبادله / کنترل اجتماعی

نظریه مبادله بر ساختار روابط اجتماعی و گردش منافع از طریق تعامل اجتماعی تمرکز می کند. آنگونه که هومنز (۱۹۶۱ و ۱۹۷۴) می گوید، پیش فرض اصلی نظریه مبادله آن است که رفتار انسانی، خود در اصل، یک مبادله است.

مکتب مبادله، اساس خود را بر این فرض نهاده است که از آنجا که افراد، در انجام هر کنشی به دنبال کسب سود و منفعت می باشند، بنابراین آن اعمالی را انجام می دهند که برای آنها حداقل هزینه و حداکثر فایده را در بر داشته باشد.

نظریه مبادله هومنز (۱۹۶۱ و ۱۹۷۴)، اساساً بر تعاملات در درون یک زوج^۱ و گروه دو نفری متمرکز است و متکی به یک مجموعه از قضایای عمومی است که از روان شناسی رفتاری و اقتصاد کلاسیک استنتاج کرده است .

نظریه فرهنگ خشونت / خرده فرهنگ خشونت^۲

این نظریه بیش از این که تبیین ساخت اجتماعی باشد یک تبیین فرهنگی است. این نظریه معتقد است که در میان مجموعه ای از ارزش ها، جهت گیری های متفاوتی نسبت به خشونت وجود دارد که در تفاوت های فرهنگی، ارزشها، اعتقادات و هنجارهای مربوط به وضعیت مناسب برای رفتار خشونت گرایانه منعکس می شود. در بعضی از وضعیت ها یک پاسخ خشونت آمیز یک پاسخ خرده فرهنگی است که در آن خرده فرهنگ یک پاسخ هنجارمند است (ون هست و دیگران، ۱۹۸۸: ۲۶۶).

نظریه تضاد

تحقیقات اشتراوس (۱۹۷۸) ، نشان می دهد که در خانواده هایی که مرد بر دیگر منافع قدرت تسلط ندارد، کاربرد خشونت به عنوان آخرین ابزار قدرت برای حل تضادها افزایش می یابد و به همین خاطر در خانواده های طبقات پایین اجتماع که با فشارها و تنش های بیشتری روبرو هستند، احتمال توسل مردان به خشونت بیشتر است زیرا آنان در قیاس با مردان دیگر، منابع قدرت کمتری برای پیشبرد مقاصد، خواسته ها و ایجاد توازن در زندگی خانوادگی شان در اختیار دارند (برسانی و چن، ۱۹۸۸: ۷۲).

^۱ - Dyad

^۲ -Subcultur of violence theory

اگر چه تضاد و خشونت عملاً با همدیگر اتفاق می افتد اما تضاد لزوماً منجر به خشونت نمی شود. این که بسیاری از تضاد ها با خشونت همراه می شود به این مفهوم نیست که برای حل آنها نیاز به خشونت می باشد، بلکه نشان می دهد کسانی که از خشونت استفاده می کنند نمی توانند به استراتژی بهتری فکر کنند و اعتقاد دارند که خشونت، تنها روش انتخابی موجود است (کلین، ۱۹۸۸: ۱۵۴).

نظریه های تنش^۱

در راستای تبیین خشونت علیه زنان، از «تنش» به عنوان عاملی که احتمال خشونت علیه زنان را افزایش می دهد یاد شده است (فرینگتون، ۱۹۸۶: ۱۳۱). اما می توان گفت که نظریه پردازان این حوزه عموماً دو دیدگاه را اتخاذ کرده اند.

۱- دیدگاه تنش خانوادگی^۲ و ۲- دیدگاه تنش محیطی^۳

دیدگاه تنش خانوادگی بر افراد درون خانواده و ویژگی هایی که خانواده ها را به ویژه آماده و مستعد تنش می سازد، تأکید می کند. در مقابل، دیدگاه تنش محیطی ویژگی های ساختاری جامعه را که منجر به توزیع نابرابر فرصت ها می شود، بررسی می نماید (همان: ۱۳۲).

نظریه فمینیستی

هر چند که در زمینه خشونت علیه زنان دیدگاه فمینیستی واحدی وجود ندارد، ولی همه رویکردهای فمینیستی، خشونت نسبت به زنان را در متن وسیع تری بررسی می کنند؛ که همان جایگاه فرودست زنان نسبت به مردان است. به اعتقاد فمینیست ها زمینه ای که لازم است برای توضیح این جرایم در نظر گرفت هم اقتدار مردانه است و هم این واقعیت که در جامعه ما خشونت جنسی و فیزیکی برای مردان و نه برای زنان، رفتاری متعارف به حساب می آید. جامعه شناسی مرد محور، جرایمی که مردان علیه زنان مرتکب می شوند، نادیده می گیرد و یا فرعی و کم اهمیت و کاذب می شمارد و گناه را به گردن خود باقی می اندازد (آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۲۳۲).

^۱ - stress Theories

^۲ -The Family stress Persspective

^۳ -The Environmental stress perspective

جامعه‌شناسان فمینیست معتقدند که ریشه نهایی خشونت در روابط نزدیک، به مسائل جنسیت و قدرت برمی‌گردد و در اکثر تحقیقات انجام شده در مورد خشونت خانوادگی، عامل جنسیت به وضوح نادیده گرفته شده است (همان: ۲۳۲).

نظریه فمینیستی، این تصور را که نابرابری‌های اقتصادی بین زنان و مردان به مشروعیت بخشی تسلط مردانه و خشونت نسبت به زنان کمک می‌کند، ثبات بخشیده است. فرایندهای اقتصادی و اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در جهت حمایت و تایید یک تظلم اجتماعی و ساختار خانوادگی مرد محور عمل می‌کند. از این دیدگاه، خشونت زناشویی محصولی از نقش‌های جنسی مردانه و زنانه‌ای است که به صورتی اساسی، نامتعادل^۱ می‌باشند. نظریه فمینیستی خاطر نشان می‌سازد به دلیل آنکه هنجارهای اجتماعی پدرسالارانه، خشونت را از جانب مرد تثبیت کرده و تایید می‌کنند. قدرت و خشونت در سطح جامعه‌ای^۲، حفظ و تقویت شده است.

نظریه عمومی سیستم‌ها^۳

به طور خلاصه نظریه سیستم‌ها، خشونت خانوادگی را به عنوان محصول کنش‌های متقابل همسران در سیستم زناشویی مورد ملاحظه قرار می‌دهد. علی‌رغم افزایش شواهد و استنادها برای درک سیستمی از خشونت بر علیه زنان، این دیدگاه هنوز بحث‌انگیز و قابل نقد است. از دلایل مهم این امر می‌توان یکی به ناموفق ماندن این دیدگاه در توجه به مسائل جنسیت اشاره کرد؛ و دیگری هم آن که تبیین‌های سیستمی که هر دوی زن و مرد را مسئول خشونت میدانند، خود می‌تواند به مسأله سرزنش قربانی کمک نماید.

نظریه بوم‌شناختی (اکولوژیکی)^۴

بر اساس دیدگاه اکولوژیکی، شهرنشینی نابسامانی‌های شخصیتی و اجتماعی و مشکلات روانی افراد را افزایش می‌دهد. جوهره تحلیل جامعه‌شناختی نظریه پردازان اکولوژیکی،

^۱ - Imbakabnced

^۲ - Societallevel

^۳ - General systemtheory

^۴ - Marital Maladjustment

ایجاد ارتباط بین ویژگی های ساختاری جامعه و نظم اخلاقی جامعه است. این نظریه پردازان بر این باورند که مهاجرت و استقرار در شهرها، شکل جدیدی از زندگی اجتماعی و روانی را برای افراد فراهم می آورد و موجب بوجود آمدن انسان های جدیدی می شود که هر چند که به هم خیلی نزدیک هستند اما فاصله روانی و اجتماعی آنها، با هم خیلی زیاد است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

به عبارتی در این نظریه آنچه در ایجاد خشونت از اهمیت بالایی برخوردار می باشد این است که نظام هنجاری، افراد را به این کار تشویق می نماید و تفسیرهای اجتماعی، این عمل را مقبول نشان می دهند و شبکه اجتماعی ای که خانواده در آن به سر می برد نیز تعیین کننده میزان بروز خشونت است (همان: ۹۴).

تحقیقات پیشین داخلی و خارجی

۱) رابطه برخی عوامل جمعیت شناختی با خشونت مردان نسبت به همسران خود در شهر اهواز، منیژه شهنی بیلاق.

این مقاله در مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال چهارم، شماره ۱ و ۲، صفحه ۳۹ به چاپ رسیده است. یافته های به دست آمده حاکی از آن بود که: ۱ - از بین متغیرهای مورد بررسی، رضایت زن از زندگی زناشویی، بیشترین همبستگی منفی و معنی دار را با هر چهار نوع خشونت نشان می داد و بنابراین پیش بینی کننده خشونت مردان نسبت به همسرانشان بود.

۲ - هم تحصیلات مرد و هم تحصیلات زن، هر دو با خشونت کلی و جسمی رابطه منفی و معنی دار داشتند.

۳ - تحصیلات مرد با خشونت جسمی رابطه منفی و معنی دار داشت.

۴ - تعداد فرزندان و طول مدت ازدواج، هر دو با خشونت جسمی رابطه مثبت و معنی داری داشتند.

۵ - سه متغیر رضایت زن از زندگی زناشویی، تحصیلات مرد و طول مدت ازدواج، پیش بینی کننده های خوبی برای خشونت جسمی مردان نسبت به همسران بود (شهنی بیلاق، ۱۳۷۶: ۳۹).

۲) خشونت خانوادگی بازتاب ساختار جامعه، شهلا اعزازی. این مقاله در مجله زنان دانشگاه تهران، شماره ۵۰، صفحه ۴۸ به چاپ رسیده است. از نظر او ساختار جامعه ایران نیز مانند

اکثر جوامع، ویژگی های پدرسالاری دارد؛ منابع کمیاب اجتماعی در اختیار مردان است و به صورت مختلف از دسترس زنان دور نگه داشته می شود و دگرگونی های معدود قانونی، اجتماعی و سیاسی که در دهه های گذشته به سود زنان صورت گرفته، تغییری جدی در این ساختار بوجود نیاورده است (اعزازی، ۱۳۷۶: ۴۸).

۳) بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده مطالعه موردی شهر بوشهر دانشگاه شیراز، محمد زنگنه. این مقاله در بخش جامعه شناسی و برنامه ریزی دانشگاه شیراز، صفحه ۱۹۰ به چاپ رسیده است. نتایج نشان دهنده آن است که در مجموع، مدل نظری تحقیق توانسته است که ۸۹/۴٪ تغییرات خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را توضیح دهد (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

۴) خشونت علیه زنان در تهران - نقش جامعه پذیری جنسیتی، منصوره اعظم زاده و راضیه دهقان فرد. این مقاله در مجله پژوهش زنان، دوره چهارم، شماره ۱ و ۲، صفحه ۸۰ به چاپ رسیده است.

از میان انواع مختلف خشونت (عاطفی، جسمی، جنسی و اقتصادی)، خشونت جنسی و عاطفی بیشترین میزان را در میان جمعیت مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. هر چه شیوه جامعه پذیری نقش های جنسیتی بیشتر بود خشونت در خانواده کمتر می شد. با وجود روابط متعادل و متقارن از نوع همکاری، همدلی، گفتگویی و ... در خانواده از میزان خشونت علیه زنان کاسته می شد (اعظم زاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۸۰).

۵) بررسی میزان رواج همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن، حسن شمس اسفندآباد و سوزان امامی پور. این مقاله در فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، صفحه ۱۴۰ به چاپ رسیده است.

یافته های این تحقیق عبارت بود از:

- ۸۱.۷٪ زنان مورد مطالعه، گاهی تا همیشه مورد همسر آزادی (جسمی و روانی) قرار گرفته بودند.
- بین سن زنان و شوهرانشان با همسر آزادی رابطه معنادار وجود داشت.
- با افزایش تحصیلات زن و شوهر از همسر آزادی کاسته می شد.
- با افزایش درآمد خانواده، میانگین همسر آزادی کاهش می یافت.
- با افزایش طول مدت ازدواج، میزان همسرآزاری افزایش می یافت.

۶) بررسی موارد زن آزاری در مراکز دادگاه خانواده، (بشیر نازپرور) این مقاله در مجله دانشگاه علوم پزشکی تهران شماره ۴، صفحه ۹۸ به چاپ رسیده است. یافته های تحقیق نشان می دهد:

عدم حمایت از زن، استقلال مالی زن و اختلاف نظر با شوهر در شیوه های تربیتی فرزندان، نقش مهمی در زن آزاری در داخل خانواده ندارد.

عواملی مثل دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی، نگرش مردسالارانه در خانواده ها و بویژه تحصیلات بالاتر زنان نسبت به شوهرانشان، باعث آزار و شکنجه روحی و جسمی آنان در خانواده ها شده و بین این متغیرها با زن آزاری، ارتباط معناداری وجود داشته است.

۷) بررسی آگاهی و نگرش مردم جنوب تهران نسبت به خشونت خانگی و خشونت علیه زنان، ابوالقاسم پوررضا. این مقاله در مجله انجمن تنظیم خانواده دانشگاه تهران، شماره ۱، صفحه ۲۹ به چاپ رسیده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد:

۱- خشونت پذیری در جامعه و در بین برخی از زنان، با رفتارهای خشن سازگاری نشان میدهند و به این دلیل است که آنها خشونت را مسأله ای غیرطبیعی نمی دانند.

۲- توجیه خشونت علیه زنان، معمولاً با تکیه بر طبیعت برتر مرد و با استفاده از متون فقهی و مذهبی صورت می گیرد.

۸) بال- روکیچ (۱۹۷۳)، تحقیقی را تحت عنوان ارزش ها و خشونت: آزمون فرضیه خرده فرهنگ خشونت انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد درحالی که بین ارزش ها و رفتار خشونت آمیز رابطه ای وجود ندارد، بین گرایش ها و رفتار خشونت آمیز رابطه نسبتاً ضعیفی برقرار است.

۹) دیبل و اشتراوس (۱۹۸۰) تحقیقی را تحت عنوان برخی ساختارهای اجتماعی تعیین کننده ناهماهنگی بین گرایش ها و رفتار مورد خشونت خانوادگی انجام داده است. بنابراین به نظر محققان، درآمد بالای شوهران و منابع اعتباری، امکان کنترل همسران را بدون استفاده از زور و خشونت فراهم می کند.

۱۰) کالموس (۱۹۸۴)، پژوهشی را تحت عنوان انتقال بین نسلی پرخاشگری زناشویی انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که رفتار و گرایش به یکدیگر وابسته بوده

و بیشترین هماهنگی بین گرایش و رفتار، در افرادی است که با گرایش مثبتی به خشونت می باشند و یا این که همسری خشونت گر دارند.

۱۱) استیت و فارلی (۱۹۹۳)، تحقیقی را تحت عنوان مدل پیش بینی کننده از خشونت مردان علیه همسران انجام داده است. یافته های محققان نشان می دهد که مشاهده خشونت توسط مردان در خانواده خاستگاه، نیز با عدم اعتقاد آنها به برابری خواهی نقش جنسی، کاهش عزت نفس و اعتیاد آنان به الکل و همچنین گرایش آن ها به خشونت زناشویی رابطه داشته است

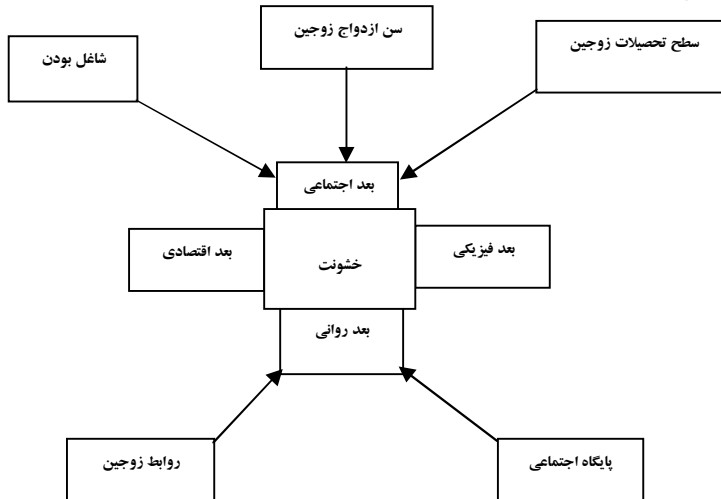
۱۲) نایاک (۲۰۰۳)، پژوهشی را تحت عنوان گرایش ها نسبت به خشونت علیه زنان انجام داده است. به طور کلی به نظر این محققین، در بررسی تفاوت در گرایش ها نسبت به خشونت علیه زنان، عوامل اجتماعی - فرهنگی، تأثیر به مراتب قوی تری در مقایسه با جنسیت داشته اند (نایاک و همکارانش، ۲۰۰۳: ۳۳۳).

۱۳) رسکو (۲۰۰۷)، تحقیقی را تحت عنوان خشونت بر علیه زنان در روابط نزدیک و زناشویی انجام داده است. در حالت کلی، نتایج بیانگر آن بود که وقتی منابع اقتصادی زنان افزایش می یافت، خشونت فیزیکی بر علیه آنها به صورت معنی داری کاهش می یافت. به عبارتی توسعه موقعیت اقتصادی - اجتماعی زنان می تواند به عنوان یک استراتژی برای کاهش خشونت فیزیکی بر علیه آنها به کار رود. همچنین نتایج نشان می دادند وقتی متغیرهای اقتصادی در درون مدل های آماری مطرح می شدند، بین نژاد، قومیت و خشونت فیزیکی ارتباط معنی داری مشاهده نمی شد (رسکو، ۲۰۰۷: ۱۷۴).

چهارچوب نظری تحقیق

چهارچوب نظری استفاده شده در این پژوهش نظریه اکولوژیکی است.

مدل تحلیلی :



فرضیات تحقیق

فرضیات کلی:

- ۱- بین عوامل فردی با خشونت علیه زنان متأهل رابطه وجود دارد.
- ۲- بین عوامل اجتماعی با خشونت علیه زنان متأهل رابطه وجود دارد.

فرضیات جزئی:

- بین سطح تحصیلات زوجین با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- بین سن ازدواج زوجین با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- بین شاغل بودن زوجین با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- بین روابط زوجین با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق، از روش پیمایشی بهره گرفته شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی زنان متأهل ناحیه ۶ شهر مشهد است و نمونه گیری مورد نظر، خوشه ای تصادفی می باشد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ نفر محاسبه شده است، همچنین گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه صورت گرفته است.

واحد تحلیل

در این تحقیق، واحد تحلیل فرد است و نتایج تحلیل به افراد تعمیم داده می شود. نحوه تجزیه و تحلیل داده ها: در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت می گیرد که در سطح آمار توصیفی متغیرهای پیش بین و ملاک در قالب جداول و نمودارها توصیف شده است و در سطح آمار استنباطی با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و آزمون کای اسکوئر (خی دو) و ضریب همبستگی اسپیرمن تجزیه و تحلیل داده ها صورت گرفته است.

آمار استنباطی

فرضیه شماره ۱: بین روابط زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. فرضیه (H₀): بین روابط زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود ندارد. فرضیه (H₁): بین روابط زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۳: همبستگی اسپیرمن بین روابط زوجین و ابعاد خشونت علیه زنان

رابطه زوجین	نوع خشونت
-.۲۷۴**	خشونت روانی
-.۳۴۵**	خشونت جسمانی
-.۲۷۳**	خشونت اجتماعی
-.۲۲۷**	خشونت اقتصادی

**P < ۰/۰۱

*P < ۰/۰۵

همانگونه که جدول نشان می دهد ضرایب همبستگی به دست آمده بین ابعاد مختلف خشونت و رابطه زوجین در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین فرضیه صفر (H₀) مبنی بر وجود نداشتن رابطه (منفی) بین رابطه زوجین و خشونت علیه زنان رد می شود. در نتیجه می توان گفت که با بهتر شدن رابطه بین زوجین میزان خشونت در ابعاد مختلف کاهش می یابد.

نوع رابطه زوجین با خشونت علیه زنان

برای بررسی دقیق تر رابطه بین نوع ارتباط زوجین و نوع خشونت علیه آنها نتایج زیر به دست آمد.

جدول شماره ۱۵: نتایج به دست آمده از اجرای آزمون گای اسکوتر (خی-دو)

مقدار خی - دو	درجه آزادی	P
۵۰.۱۴۰	۳	۱.۰۰

با توجه به اطلاعات جدول مقدار خی - دو به دست آمده با درجه آزادی ۳ در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین نوع رابطه زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۶: ضریب همبستگی (توافقی) بین خشونت و رابطه زناشویی

متغیر	رابطه زوجین	P
خشونت	۰.۴۱	۰.۱۰
تعداد	۲۵۰	

با توجه به اطلاعات جدول چون مقدار p محاسبه شده از سطح معناداری کمتر است فرض (H_0) صفر رد می شود بنابراین می توان گفت که بین خشونت و رابطه زوجین رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت اجتماعی علیه زنان رابطه وجود دارد. بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت اجتماعی علیه زنان رابطه معنی داری وجود ندارد. بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت اجتماعی علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۱۸: نتایج به دست آمده از اجرای آزمون گای اسکوتر (خی-دو)

مقدار خی - دو	درجه آزادی	P
۰۹.۱۶	۳	۱۰.۰

با توجه به اطلاعات جدول مقدار χ^2 - دو (۰۹۵.۱۶) به دست آمده با درجه آزادی ۳ در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین فرض صفر رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

فرضیه ۳: بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت فیزیکی علیه زنان رابطه وجود دارد.

بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت فیزیکی علیه زنان رابطه معنی داری وجود ندارد.

بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت فیزیکی علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول مقدار χ^2 - دو (۰۶۳.۲۶) به دست آمده با درجه آزادی ۳ در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین فرض صفر رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی زوجین و خشونت فیزیکی علیه زنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲۲: ضریب همبستگی اسپیرمن بین خشونت فیزیکی و پایگاه اجتماعی

P	پایگاه اجتماعی	متغیر
۰.۱۰	-۳۳.۰	خشونت فیزیکی
	۲۵۰	تعداد

با توجه به اطلاعات جدول چون مقدار p محاسبه شده از سطح معناداری کمتر است فرض (H_0) صفر رد می شود بنابراین می توان گفت که بین خشونت فیزیکی و پایگاه اجتماعی رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت روانی علیه زنان رابطه وجود دارد.

بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت روانی علیه زنان رابطه معنی داری وجود ندارد.

بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت روانی علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول مقدار χ^2 - دو (۷۸.۱۷) به دست آمده با درجه آزادی ۳ در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین فرض صفر رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی زوجین و خشونت روانی علیه زنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲۵: ضریب همبستگی اسپیرمن بین خشونت روانی و پایگاه اجتماعی

P	پایگاه اجتماعی	متغیر
۰.۱۰	-۳۴.۰	خشونت روانی
	۲۵۰	تعداد

با توجه به اطلاعات جدول چون مقدار p محاسبه شده از سطح معناداری کمتر است فرض (H_0) صفر رد می شود بنابراین می توان گفت که بین خشونت روانی و پایگاه اجتماعی رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۵: بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت اقتصادی علیه زنان رابطه وجود دارد. بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت اقتصادی علیه زنان رابطه معنی داری وجود ندارد. بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت اقتصادی علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به اطلاعات جدول مقدار χ^2 - دو (۰.۴۲۸) به دست آمده با درجه آزادی ۳ در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. بنابراین فرض صفر رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی زوجین و خشونت اقتصادی علیه زنان رابطه وجود دارد. با توجه به اطلاعات جدول چون مقدار p محاسبه شده از سطح معناداری کمتر است فرض (H_0) صفر رد می شود بنابراین می توان گفت که بین خشونت اقتصادی و پایگاه اجتماعی رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۶: بین سطح سواد زوجین با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. بین سطح سواد زوجین با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود ندارد. بین سطح سواد زوجین با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۳۰: نتایج به دست آمده از اجرای آزمون کای اسکوئر (خی-دو)

p	درجه آزادی	مقدار χ^2 - دو
.۰۰۱	۳	۴۱.۹۶

با توجه به اطلاعات جدول مقدار χ^2 - دو (۹۶.۴۱) به دست آمده با درجه آزادی ۳ در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین فرض صفر رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین سطح سواد زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳۱: همبستگی اسپیرمن بین سطح سواد زوجین و ابعاد خشونت علیه زنان

سطح سواد	نوع خشونت
-.۴۵**	خشونت روانی

۳۸***-	خشونت فیزیکی
**۳۳-	خشونت اجتماعی
**۴۰-	خشونت اقتصادی
**۴۲-	خشونت کلی

**P<۰/۰۱

*P<۰/۰۵

با توجه به اطلاعات جدول فوق چون سطح معنی هم بستگی های محاسبه شده از سطح معنی داری کمتر است فرضیه صفر رد می شود بنابراین می توان گفت که بین سطح سواد زوجین و ابعاد خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد و این رابطه معکوس است یعنی هر چه سطح سواد زوجین بالاتر می رود ابعاد مختلف خشونت علیه زنان کاهش می یابد.

فرضیه ۷: بین سن ازدواج همسر با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

بین سن ازدواج همسر با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود ندارد.

بین سن ازدواج همسر با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۳۲: همبستگی اسپیرمن بین سن ازدواج همسر و ابعاد مختلف خشونت علیه زنان

نوع خشونت	- سن ازدواج همسر
خشونت روانی	**۱۹-
خشونت فیزیکی	۱۵***-
خشونت اجتماعی	**۱۸-
خشونت اقتصادی	**۱۷-
خشونت کلی	-۱۶**

**P<۰.۰۱

*P<۰.۰۵

با توجه به جدول فوق چون مقدار r محاسبه شده کمتر از سطح معنی داری است فرض صفر رد می شود. بنابراین می توان گفت که همبستگی معکوس و معنی داری بین سن ازدواج همسر و ابعاد مختلف (روانی، اجتماعی و اقتصادی) خشونت علیه زنان و همچنین

بین سن ازدواج و خشونت کلی علیه آنها وجود دارد. بدین معنی که با بالا رفتن سن ازدواج همسر ابعاد مختلف خشونت کاهش می یابد.

جدول شماره ۳۳: همبستگی اسپیرمن بین سن ازدواج و ابعاد مختلف خشونت علیه زنان

سن ازدواج	نوع خشونت
-.۲۱**	خشونت روانی
-.۱۶**	خشونت فیزیکی
-.۲۲**	خشونت اجتماعی
-.۱۹**	خشونت اقتصادی
-.۱۹**	خشونت کلی

$**p < .01$

$*p < .05$

همانگونه که جدول نشان می دهد چون مقدار p به دست آمده از سطح معنی داری کمتر است فرض صفر (H_0) رد می شود بنابراین می توان گفت بین سن ازدواج و ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. این همبستگی معکوس و معنی دار است. بدین معنی که با بالا رفتن سن ازدواج ابعاد مختلف خشونت کاهش می یابد.

فرضیه ۸: بین شاغل بودن زوجه با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

بین شاغل بودن زوجه با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود ندارد.

بین شاغل بودن زوجه با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول مقدار P به دست آمده از سطح معنی داری کمتر است. بنابراین فرض صفر رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین شاغل بودن زنان و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول چون مقدار P محاسبه شده از سطح معناداری کمتر است فرض (H_0) صفر رد می شود بنابراین می توان گفت که بین شغل زنان و خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۹: بین شاغل بودن زوج با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

بین شاغل بودن زوج با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود ندارد.

بین شاغل بودن زوج با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول مقدار P محاسبه شده کمتر از سطح معنی دار است. بنابراین فرض صفر رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین شاغل بودن زنان و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول چون مقدار P محاسبه شده از سطح معناداری کمتر است فرض (H_0) صفر رد می شود بنابراین می توان گفت که بین شاغل بودن زوج و خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد.

اعتبار و پایایی: اعتبار آن به روش صوری و پایایی آن به کمک آلفای کرونباخ سنجیده شده است.

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس آزمون همبستگی اسپیرمن و کای اسکوئر نتایج حاصل از فرضیات نشانگر است که در سطح $P < 0/01$ فرضیه اول معنی دار است و فرضیه صفر (H_0) رد می شود و در نتیجه با بهتر شدن رابطه بین زوجین میزان خشونت در ابعاد مختلف آن کاهش می یابد، لذا فرضیه فوق تأیید شده است، و متغیرها دارای رابطه منفی می باشد. فرضیه دوم در همین سطح معنی دار است و فرضیه صفر (H_0) رد می شود بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی زوجین و خشونت اجتماعی علیه زنان رابطه معنی دار وجود دارد و فرضیه فوق تأیید شده است.

فرضیه سوم با درجه آزادی ۳ در سطح $P < 0/01$ معنی دار است و فرضیه صفر (H_0) رد می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی زوجین و خشونت فیزیکی علیه زنان رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید می شود.

و فرضیه چهارم با درجه آزادی ۳ در سطح $P < 0/01$ معنی دار است بنابراین فرضیه صفر (H_0) رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی زوجین و خشونت روانی علیه زنان رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید می شود.

فرضیه پنجم با درجه آزادی ۳ در سطح $P < 0/05$ معنی دار است. فرضیه صفر (H_0) رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی زوجین با خشونت اقتصادی علیه زنان رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید می شود.

فرضیه ششم نیز با درجه آزادی ۳ در سطح $P < 0/01$ معنی دار است بنابراین فرضیه صفر (H_0) رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین سطح سواد زوجین با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید می شود.

فرضیه هفتم در همین سطح معنی دار است بنابراین فرضیه صفر (H_0) رد می شود و در نتیجه با بالا رفتن سن ازدواج همسر ابعاد مختلف خشونت علیه زنان کاهش می یابد. لذا فرضیه فوق تأیید شده و دارای رابطه منفی و معنی دار می باشد.

و فرضیه هشتم نیز با درجه آزادی ۳ در سطح $p < 0/01$ معنی دار است و فرضیه صفر (H_0) رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین شاغل بودن زوجه با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه فوق تأیید می شود.

فرضیه نهم نیز در همین سطح معنی دار است بنابراین فرضیه صفر (H_0) رد می شود و می توان نتیجه گرفت که بین شاغل بودن زوج با خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید می شود.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیات فوق این طور به نظر می رسد که خشونت علیه زنان مشکل پیچیده ای است که بدون همکاری و هماهنگی مؤسسات درمانی، قضایی، پلیس، خدمات بهداشتی و سایر نهادهای مردمی و دولتی نمی توان با آن مقابله کرد. مادامی که کمک رسانی به قربانیان خشونت از طریق مؤسسات فوق انجام نپذیرد چرخه خشونت به قوت خود باقی می ماند و عمل می کند. هزینه های ناشی از خشونت علیه زنان هنگفت است زیرا به ناتوانی بخشی از نیروهای انسانی می انجامد که خود به تنهایی خسارت ملی است افزون بر آن هزینه های امداد پزشکی، خدمات روان پزشکی، قضایی و پلیس را نیز شامل می شود.

بهترین شیوه صرفه جویی هزینه ها این است که برای پیشگیری از خشونت سرمایه گذاری مطلوب شود که آن هم عبارت است از: بهره گیری از منابع انسانی و نیروهای داوطلب

جامعه با هدف پیشگیری از خشونت که هرگاه با عزم ملی برای رفع آثار و تبعات زیانبار مالی و روانی ناشی از وقوع جرم همراه باشد بسیار سودمند است در حال حاضر ضرورت مبارزه ای هماهنگ برای کنترل خشونت علیه زنان در مراکز مشاوره مورد توجه قرار گرفته است و باعث شده است ، تا تجربیات و راهکارهای بهتری را ارائه دهند.

پیشنهادها

پیشنهادهایی که می شود بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر استخراج نمود به دو قسم تقسیم می شوند:

الف) پیشنهادهای پژوهشی: پژوهش حاضر به بررسی عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با خشونت پرداخته است پیشنهاد می شود روی عوامل مرتبط دیگری که بر خشونت تأثیرگذار می باشد ، کار شود.

ب) پیشنهادهای کاربردی (اجرایی):

۱) بالا بردن آگاهی زوجین در حین معاشرت و رفتار با یکدیگر از طریق مراکز مشاوره و رسانه های عمومی

۲) مقابله با سنت ها و اعتقادات غلط در خانواده

۳) دخالت فعال جامعه در موضوع خشونت از جمله برخورد قاطعانه مراکز قضایی با مرتکبین خشونت

۴) زوج درمانی که یکی از روشهای مشاوره گروهی است و دراین شیوه زوج هایی که با معضل خشونت خانوادگی مواجه هستند تحت راهنمایی ها و ارشادات روانشناسان، پیشگیری از بروز خشونت و مقابله با آن را فرا می گیرند.

۵) مشاوره فردی با کمک مراکز مشاوره نیز به آموزش راهکارهای صحیح جهت پیشگیری از خشونت کمک می کند.

۶) اهمیت دادن به تحصیلات دختران و حمایت از آنها توسط والدین و جامعه می تواند در کاهش خشونت علیه آنان نقش داشته باشد.

۷) ایجاد فرصت های شغلی مناسب برای زنان تا از نظراقتصادی به درجاتی از استقلال که مقدمه ای بر مهار خشونت است دست یابند.

۸) ایجاد شبکه های کمک رسانی از جمله مراکز مشاوره و ...

- ۹) تشویق نمودن زنان به گفتگو: راهکار مؤثری است که کنترل خشونت را میسر می کند و قربانیان خشونت در عرصه گفتگو با حقوق انسانی خود آشنا می شوند.
- ۱۰) کاهش نرخ خشونت مستلزم حرکت فرهنگی و طولانی مدت است که مبدأ آغازین آن در نهاد خانواده و توسط نقش تربیتی زنان قابل اجرا است.
- ۱۱) همچنین در سطح خانوادگی می توان از راهبرد توجه اجتماعی یعنی گوش دادن به مسائل، تأکید کردن، علاقمند نمودن، تحسین و تشویق و اظهار برخی علائم مثبت استفاده نمود و موجب تقویت روحیه همبستگی و دوری از خشونت ورزی گردید.

منابع

- ۱- ابوت، ب و والاس، ک. (۱۳۷۱). مقدمه ای بر جامعه شناسی (نگرش های فمینیستی). ترجمه م خراسانی و ح احمدی، تهران: دبای مادر چاپ سوم: ۱۳۷۱.
- ۲- اعزازی، ش. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی - خشونت اجتماعی. تهران: انتشارات تابان. چاپ اول: ۱۳۸۰.
- ۳- باندورا، آ. (۱۳۷۲). نظریه یادگیری اجتماعی. ترجمه: ف ماهی، شیراز: راهگشا. چاپ دوم: ۱۳۷۲.
- ۴- صدیق سروسستانی، ر. (۱۳۸۰). انسان و شهرنشینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- کار، م. (۱۳۸۰). پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۶- Bersani, C.A. and H.T. Chen "Sociological perspective infamil violence." In V.B. van Hasselt (ed.). H and bookof family violence., pp. - ۸۶, New york: plenum press. (۱۹۸۸).
- ۷- Dobash, R.E. and R.P.Dobash "wives: the appropriate victims of marital violence." Victimology., vol. ۲, No. ۲, pp. ۴۲ - ۴۴۲. (۱۹۷۸).
- ۸- Dutton, D. G. "Trauma symptoms and PTSD - Like profiles in perpetrators of intimate abuse." Journal of trauma stress. , Vol. ۸, No. ۲, pp. ۲۹۹ - ۳۱۶. (۱۹۹۵).
- ۹- Faringtone, K. "The application of stress theory to the study of family violence: principles, problems and prospects", Journal of family violence., vol. ۱, No. ۲, pp ۱۳۱-۱۴۹. (۱۹۸۶).
- ۱۰- Gelles, R.J. and M.A. Straus. "Violence in the american family," journal of social zissues., Vol. ۳۵, No. ۲, pp. ۱۵-۳۹. (۱۹۷۸).
- ۱۱- Harmon, P.A. Why Dometen Batter women? Assessing Empathy, self - Regard and Norcissism levele and Attitudes Toward women, Men's Roles and family of origin Experiences Among Middle to upper class male Batterers. PhD Thesis. United states: Ohio state university. (۲۰۰۱).
- ۱۲- Kalmuss, D. "The intergenerational transmission of marital aggression" Journal of marriage and the family, vol. ۴۶, No. ۱, pp. ۱۱-۱۹. (۱۹۸۴).
- ۱۳- Klein, R.C.A. Multidisciplinary perspective on family violence. London: Rutledge. (۱۹۸۸).
- ۱۴- O'leary, K.D. "physical aggression between spouses: a social learning theory perspective." in V.D. van Hasselt (ed). Ho\andbook of family violence., PP. ۵۷- ۸۶, New york: plenum press. (۱۹۸۸).
- ۱۵- Reschow, P.D. Aprimer in theory Construction, Indiana: Bob merria Eaucation Publishing. (۲۰۰۷).
- ۱۶- Van Hosselt, V.B. Hand book of family violence. Newyork: plenum press. (۱۹۸۸).